

سیر تحولات تاریخی و کالبدی بافت قدیم شهر کاشان

حمیدرضا وارثی - علی زنگی آبادی - ابوذر وفایی

چکیده

کاشان قدیم به عنوان نشانه بارز معماری ایرانی - اسلامی، گویای آن است که شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی هرگز با طبیعت بیگانه نبوده و معماری که برای ایجاد ساختمان مجبور به دخالت در طبیعت گردیده نه تنها موجب انهدام آن نگردیده، بلکه توانسته تعادلی در این میان به وجود آورد.

بافت تاریخی کاشان در گذشته دارای ساختار مشخصی بود. حصار و بارویی که مرز محله را مشخص می‌کرد و قلعه‌ای که در نزدیکی آن حصار، محافظت بافت را از دشمنان مقدور می‌داشت. دروازه‌ای چند، که مدخل‌های بافت بودند و گذرهایی که از این دروازه‌ها شروع شده و با عبور از محلات و مراکز محلات، آنان را به بازار (مرکز اصلی تجارت و رونق اقتصادی بافت) پیوند می‌زدند. اما شهرسازی دوران معاصر با به ارمغان آوردن خیابان و فلکه و هم‌چنین با توسعه مرکزیت اداری شهر و ایجاد ساختمان‌های غیر بومی و محصور در فضای سبز، لطمت جبران ناپذیری بر بافت آرگانیک شهر وارد کرده است. بنابراین سازمان فضایی و ساختار کالبدی بافت تاریخی، طی دوران‌های مختلف، دگرگونی بسیار زیادی پیدا کرده است.

کلید واژه‌ها: بافت، بافت قدیم، کاشان، برنامه ریزی، احیای کالبدی

*. استادیار دانشگاه اصفهان

** استادیار دانشگاه اصفهان

*** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

◀ ۱- مقدمه :

سیمای کالبدی بافت قدیم شهر کاشان در طول تاریخ تحت شرایط اقلیمی خاص منطقه و راههای ارتباطی شهر با نقاط دور و نزدیک کشور شکل گرفته است. ترکیب بافت قدیمی شهر کاشان را بدون در نظر گرفتن شبکه معابر شطرنجی موجود می‌توان مربوط به سال‌های بعد از ۱۲۶۰ ه. ق. دانست. زیرا بنا بر روایات تاریخی در این سال‌ها، زمین لرزه، بخش اعظم شهر را منهدم نموده و آنچه مجدداً ساخته شده، پاسخگوی نیاز این زمان بوده است و بسیاری از عناصر شهری مانند مسیر قنوات، گذرهای اصلی مراکز محلی، مساجد و تکایا و آب‌انبارها دوباره ساخته شده‌اند.

محور اصلی و ستون فقرات شهر قدیمی کاشان، بازار بوده که در حال حاضر کم و بیش با تغییرات و از هم گسیختگی نسبی که حاصل اقدامات شهرسازی جدید است به صورت اولیه باقی مانده است.

بازار شهر کاشان بیش از آنکه یک عنصر معماری و ساختمانی مؤثر از نظر منظر کلی شهر باشد، محل تمرکز و جذب جمعیت به خاطر فعالیت‌های تجاری عمده بوده و هست.

در این میان گذرها و کوچه‌ها نقش اساسی ارتباط بین مراکز جمعیتی (بازار) و سایر اجزای تشکیل دهنده شهر را به عهده داشته است. بناهای با ارزش تاریخی در شهر کاشان و در داخل بافت قدیمی در موقعیت‌های مناسبی نسبت به محور بازار قرار گرفته و وجود یکی، موجودیت دیگری را در منظر کلی شهری نفی نمی‌کند.

تفاوت‌های اساسی در شکل‌گیری محلات مسکونی قدیمی، ناشی از توپوگرافی، شکل و عوامل طبیعی زمین و وجود نشانه‌های متعدد داخل هر یک از محلات مسکونی (با کیفیت معماری متفاوت و فضاهای ایجاد شده) به هر محله ویژگی و روحیه خاصی را بخشیده و یک وحدت نسبی به خاطر کاربرد مصالح بومی در تمام محلات قدیم شهر وجود دارد. هرچند امروزه بسیاری از فعالیت‌ها به خارج از محلات قدیمی منتقل شده و یا بعضی از عناصر تشکیل دهنده بافت مانند آب‌انبار،

عملکرد خود را از دست داده اند، ولی هنوز کیفیت شهری واحدهای محله‌ای، قابل توجه است و حتی می‌تواند مبنای شکل‌گیری محلات جدید باشد.

◀ ۲- روش تحقیق :

در این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی و پیمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، سپس از طریق بررسی متون و منابع، مبادرت به تدوین چارچوب نظری، فرآیند و مواد می‌گردد.

◀ ۳- تعاریف و مفاهیم :

۳-۱- بافت (Texture) :

بافت، گستره‌ای هم پیوند است که از بناها، راه‌ها، مجموعه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آنها تشکیل شده باشد (www.udro.org.ir).
بافت شهر، عبارت است از در هم تنیدگی فضاها و عناصر شهری به تبع شرایط طبیعی به ویژه توپوگرافی و اقلیم به طور فشرده یا گسسته و با نظم خاص در محدوده شهر یعنی بلوک‌ها و محلات شهری جایگزین شده اند (فرید، ۱۳۷۳: ۹۶).

بافت هر شهر نحوه شکل‌گیری و مراحل رشد و توسعه شهر در طی تاریخ را منعکس می‌سازد. یکی از عوامل اصلی و بسیار مهم شکل‌دهنده بافت شهر عوامل طبیعی بوده است، سه عامل زمین، هوا و منابع آب، عوامل اساسی و مهم طبیعت هستند که در بافت شهرهای قدیمی ایران، اثرات عمیقی به جای گذاشته اند (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۹۹).

۳-۲- بافت قدیم (Old texture) :

بافت قدیم به آن نوع یکدستی سکونت و انسجام فضاهای کالبدی گفته می‌شود، که متعلق به نظم اجتماعی قدیم است، که در آن نظام زندگی اجتماعی با نظام زندگی اجتماعی امروزی فرق داشت (خالقی مقدم، ۱۳۷۵: ۳۶).

به طور کلی آن بخش از شهرهای ایران را که تا عهد قاجاریه شکل گرفته اند می‌توانیم بافت قدیم بنامیم. در واقع منظور زمانی است، که هنوز تغییرات و تحولات تکان‌دهنده و دگرگون‌کننده دوران پهلوی اول شروع نشده است

(توسلی، ۱۳۷۲ : ۵).

بیشتر شهرهای مهم و بزرگ ایران را شهرهای سنتی تشکیل داده اند، از ویژگی های مهم و بارز آنها تشکیل دو شهر از دو بخش قدیم و جدید می باشد، به طور کلی آن بخش از شهرهای ایران را که تا اوایل قرن ۲۰ شکل گرفته اند می توان بافت قدیم نامید و منظور زمانی است که تأثیر صنعتی شدن و یا تغییر و تحولات شهری دوران پهلوی (۱۹۲۴ - ۱۳۰۰) شروع نشده است (شفقی، ۱۳۷۶ : ۴۳۹).

بافت شهری که حد فاصل گذر از شهرنشینی آرام به شهرنشینی سریع است بافت قدیمی نامند. بافت قدیمی، انعکاس کالبدی تحولات اجتماعی - سیاسی اوایل قرن حاضر است. اگر چه بر اساس دسترسی موتورسیکل می گیرد، لیکن تأثیر وسایط موتوری در آن بسیار کم است. شکل گیری این بافت تا اواسط دهه ۳۰ ادامه دارد. (حائری، ۱۳۷۲ : ۱۸ و ۱۹)

۳-۳ - برنامه ریزی (planning) :

عبارت از کوششی در جهت انتخاب بهترین برنامه ها در جهت رسیدن به هدف های مشخص که ممکن است این کوشش ها و برنامه ها، تا مرحله نهایی هدف نیز پیش نرود، بلکه گام هایی در جهت رسیدن به آن باشد. (شیعه، ۱۳۸۲ : ۸۶)

۳-۴ - احیای شهری (Urban Renewol) :

مجموعه اقداماتی را که به منظور تجدید حیات شهری، اصلاح مسکن، تخریب و پاکسازی ساختمان های فرسوده به همراه نگهداری بناهای با ارزش تاریخی و قابل نگهداری، بهسازی و بالا بردن استاندارد های ساختمانی بناهای موجود انجام می گیرد احیای شهری گویند (Buttan, ۱۹۸۵, pp۱۵۲).

۴ - چگونگی روند توسعه و سیر تحولات تاریخی و کالبدی بافت تاریخی کاشان :

۴-۱ - علل پیدایش و شکل گیری شهر :

در بنیان و شکل گیری کانون ها و مجتمع های مسکونی، بی شک علل و عوامل مختلفی دخیل است: عوامل طبیعی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و عوامل

تجاری بیشترین تأثیر را داشته اند. در میان این عوامل، عامل طبیعی و اقلیمی به طور عام و وجود منابع آب (به عنوان عامل خاص) در شکل گیری و پیدایش اکثر شهرهای تاریخی ایران و چه بسا در تمام شهرهای ایران مؤثر و تأثیر گذار بوده است. عوامل امنیتی و دفاعی و عوامل مذهبی نیز از عواملی بود که در گذشته به عنوان عوامل مهم در شکل گیری شهرها مطرح بوده اند (کیانی، ۱۳۶۵: ۳۶۷).

با در نظر گرفتن شرایط خاص جغرافیایی کاشان یعنی آب و هوای خشک و کویری، ضرورتی که می تواند موجب تشکیل اجتماعات در این منطقه جغرافیایی باشد وجود آب است؛ وجود چشمه های آب در دامنه کوههای کرکس باعث اسکان اجتماعات و پیدایش تمدنهایی در سیلک، واقع در ۴ کیلومتری جنوب غربی کاشان فعلی گردیده و پس از آن با دگرگونی و تحولات طبیعی و نتیجه تغییر محلی چشمه های آب، زندگی گروهی این ناحیه به حوالی فین کاشان کشیده شده است. در طول تاریخ این منطقه از حاشیه کویر بر سر راه کاروان ها به مقصد شهرهای پر اهمیت جنوب و جنوب غربی ایران قرار گرفته و گسترش شهر را سبب گردیده است.

۴-۲- کاشان قبل از اسلام:

با توجه به متون تاریخی و کاوش های باستان شناسی «سیلک» در فاصله زمانی بعد از تمدن سیلک تا دوران ساسانیان و صدر اسلام، حدود پانزده قرن تاریخ راجع به سکنه ای که در سیلک مستقر بوده اند و جمعیت ساکن در آبادی های مناطق سردسیر و گرمسیر کاشان که به صورت غیر متمرکز می زیسته اند، ساکت مانده است.

آنچه مسلم است لفظ «کاسان» یا «کاشان» که قبل از اسلام مصطلح بوده در دوران اسلامی معرب گردیده است و به «قاسان» یا «قاشان» معروف شده است. پس از فتح اسلام توسط «ابوموسی اشعری» که یکی از سرداران دوران حکومت خلفای راشدین «عمر» بوده است، منطقه ای حد فاصل اصفهان و قم به این نام نامیده می شد و همچنین قرای دیگری مانند: نیاستر (نیاسر)، مشکان، راوند، برزک، آبروز، درام، اردهار، (مشهد اردهال فعلی) و ابیانه و بسیاری قریه دیگر که همگی مشابه آن چه بیان شد نام های ایرانی قبل از اسلام دارند و این اسامی در

تاریخ قم، تاریخ ابن اعثم کوفی، و کتاب الاعلائق النفسیه که از جمله آثار مدون و کتب معتبر تاریخی هستند که در قرون سوم و چهارم هجری نوشته شده اند، به این مطلب اشاره می نمایند.

از جمله آثاری که از دوران ساسانیان در منطقه است به جز آتشکده هایی که بیان شد بنای «چهار طاقی ساسانی» در شمال کاشان می باشد. در دوران قبل از اسلام، اقلیت یهودی در شهر کاشان و منطقه، سکنی داشته اند و بر حسب شرایط زمان و حکومت ها جمعیت یهودی شهر کم و زیاد شده است.

بنا بر مندرجات کتاب «میراث ایران» قبل از ظهور اسلام منطقه زرتشتی نشین نیز بوده است و زبان مردم دارای ریشه اوستایی است، در زبان و لهجه مردم شهر و حومه و آبادی های مختلف، تنوع و تفاوت هایی دیده شده که بنابر موقعیت شهر در شبکه ارتباطی کشور دلیل لطمات وارده به اهالی این منطقه می باشد که با اقوام ترک و تازی نیز مخلوط شده اند (سلمانی، ۱۳۶۵: ۵۹).

قدیم ترین مأخذی که راجع به چشمه سلیمانیه فین شهر کاشان سخن گفته است، تاریخ قم است (مؤلف: حسن بن محمد حسن قمی ۳۷۵ ه.ق.) و اشاره به میزان آبدهی بسیار زیاد چشمه می نماید، به طوری که از فین کاریزهای متعددی جاری می گردد و با توجه به موقعیت جغرافیایی فین بخش عمده ای از آب این چشمه سار آب شهر کاشان را تأمین می نموده است. روستای فین از برکت آب چشمه فین همواره از آبادانی و سرسبزی برخوردار بوده است و در توسعه یافتگی منطقه سهم عمده ای داشته است.

جمعیت منطقه در اطراف جلگه کاشان گرد آمده و در آن مستقر شده اند و وجود قلعه ها و حصارهای متعدد که هنوز تعداد قابل توجهی از آنان در دشت کاشان وجود دارد و مورد استفاده اهالی بومی نیز می باشد. این قلاع در دوران گذشته مجتمعات زیستی متعددی را تشکیل داده و از ایمنی بیشتری برخوردار بوده اند و آب مشروب و زراعی توسط قنوات و چشمه ها و دو رودخانه از دامنه کوه های شمال غربی و غرب برای اهالی به داخل قلعه ها جریان می یافته

است. این ناحیه به دلیل دارا بودن تعداد زیادی آبادی و بنابر مسایل امنیتی زمان همگی به صورت قلعه حصار محصور بوده اند و به احتمال بسیار زیاد به «چهل حصاران» معروف شده اند. کتاب مرآت القاسان قلعه های این منطقه را تا تعداد صد قلعه روایت می نماید.

در تاریخ اجتماعی کاشان آمده است که در سال ۲۱ هجری در جنگ نهاوند حدود ۲۰۰۰۰ سرباز از نواحی قم و کاشان جمع آوری گردیده و این تعداد افراد در جنگ شرکت داشته اند.

پس می توان نتیجه گرفت که کاشان در اواخر دوره ساسانیان و سال های اولیه قرن اول هجری به عنوان یک ناحیه که دارای آبادی ها و قلاع متعددی بوده، مطرح گردیده است (سلمانی، ۱۳۶۵: ۶۰).

۴-۳- روند شکل گیری و سیر تحول شهر کاشان از صدر اسلام تا شروع حکومت سلاجقه:

مقدسی در «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» که در قرن چهارم نگاشته است، می گوید کاشان دارای ۷۷ پارچه آبادی بوده است و مجموعه آبادی ها اعم از رستاق و طسوج می باشد و از حدود دو میلیون درهم، ۱۵ هزار درهم مالیات سهم «رستاق کاشان» بوده است، به مطلب فوق از این لحاظ اشاره گردیده که با توجه به این که بعد از ظهور اسلام شهر مدتی در حاکمیت اصفهان بوده و سپس مدتی تحت حاکمیت قم درآمد است، ولی بنابر تعداد آبادی ها و نقاط جمعیتی و خصوصیات خود مستقل گردیده است و پس از گذراندن تحولات سال های بحرانی اولیه هجری به سرعت از رشد و توسعه برخوردار گردیده است.

شهر کاشان در دوران خلافت عباسیان خصوصاً از آغاز حکومت آل بویه مانند بسیاری از شهرهای فلات، همراه با توسعه راهها و بازرگانی کشور از رشد چشمگیری برخوردار گردیده و در مقام «شهر» قرار گرفته و جاذبه های شهری را نسبت به آبادی های اطراف خود بیشتر داشته است.

شهر کاشان در زمان «بویه ها» بر اساس گفته المسالک و الممالک در باب «ذکر دیار کوهستان» چنین وصف شده است:

«... و کوهستان را شهرهایی هست مشهور، چون همدان و دینور و سپاهان و قم و شهرهای کوچک چون قاشان و نهاوند» و همین مأخذ در ذکر شهرهای جبال بعد از قم از قاشان نام می برد و می نویسد:

«قاشان شهرکی کوچک است» (بیرشک، ۱۳۷۴: ۳۵).

۴-۴- توسعه فیزیکی شهر کاشان در دوران سلجوقیان و صفویان :

کاشان در دوره سلاجقه سال (۵۹۰ - ۴۲۹ ه.ق.) به دلیل نزدیکی فاصله آن تا پایتخت یعنی اصفهان و خصوصیت جغرافیایی و اقلیمی آن از نظر کمبود آب و فقدان استعداد کشاورزی و دامپروری و جاذبه های تجاری و بازرگانی آن بیشتر تقویت گردید و کم کم به عنوان یک قطب عمده تجاری، صنعتی در سطح منطقه و کشور مطرح گردید، به طوری که ملک شاه سلجوقی در نیمه دوم قرن پنجم هجری در جنوب غربی شهر «قلعه جلالی»، را در محلی که به سطح شهر کاملاً اشراف داشت بنا نمود؛ این قلعه که در اصل دارای عملکرد حکومتی، نظامی بود ارگ شهر نیز محسوب می گردید.

از شکل رویش شهر در این دوره کاملاً مشهود می باشد که پس از احداث قلعه جلالی گذرهای متعددی دو قطب اصلی شهر یعنی بازار و ارگ را به هم پیوند داده و گذرها با خطوط شعاعی شکل از حد فاصل حریم قلعه تا حد جنوبی نوار بازار از میان مزارع و باغات جنوب و جنوب غربی شهر می گذشته است. (بیرشک، ۱۳۷۴: ۴۲).

احداث سد محکمی بر روی «رودخانه قمصر» برای تأمین آب مشروب شهر کاشان و قلعه جلالی و مصارف کشاورزی و زمین های این بخش بیرونی شهر از جمله کارهای عمرانی منطقه کاشان در سالهای نیمه دوم قرن پنجم و در وزارت خواجه نظام الملک می باشد و تحولات فرهنگی، علمی این دوره به گونه هایی در کالبد شهر منعکس می باشد. مناره مسجد جامع کاشان و کتیبه آن با خط کوفی سال ۴۶۶ ه.ق. را نشان می دهد.

حدود بیش از نیم قرن بعد از احداث قلعه جلالی باروی عظیم و مستحکمی به دور شهر کشیده شد که این بارو علاوه بر این که قسمت های ساخته شده شهر را در بر می گیرد، حد فاصله شهر و ارگ جلالی را که تماماً زمینهای

مزروعی و باغت بوده است محصور می نماید. به طوری که باروی جدید الاحداث حصار قسمت جنوبی قلعه را به شکل جداری مضاعف می پوشاند. در متون تاریخی به صورت اخص به خندق دور باروی شهر هیچ اشاره ای نشده تا دوران حکومت زندیه که به دستور «عبدالرزاق خان» جهت امنیت شهر، دستور حفر خندق دور بارو صادر و متعاقباً انجام گردیده است. ولی نظر به اینکه ایجاد چنین باروی عظیمی که برخی از قسمت های آن تا کنون باقی است (به ضخامت ۶ متر در قسمت پایین و ارتفاع ۸ متر) احتیاج به میزان قابل توجهی گل جهت ساخت خشت نیاز دارد که به ناچار بایستی در محل تأمین گردد، لذا این نظریه که تا قبل از دوران زندیه شهر فاقد خندق بوده است نمی تواند صحت داشته باشد (بیرشک، ۱۳۷۴: ۴۳).

در دوره صفویه کاشان از رونق بسیار برخوردار بود، هنر پارچه بافی به اوج کمال رسید و صنعت سفال گری که در دوره تیموریان اندکی دچار رکود شده بود، مجدداً رونق یافت. بازار مسگرها، کاروانسرای گمرک و ضرابخانه در این دوره ساخته شد و چهار سوق قیصریه که مشتمل بر دکانها و کاروانسراهایی چند بوده است در زمان شاه عباس صفوی احداث گردید. شهر که در دوره تیموریان هم چنان در محدوده حصار سلجوقی باقی مانده بود، گسترش یافته و از محدوده حصار خارج گردید.

در دوره قاجاریه محدوده شهر تغییر چندانی نکرد؛ جز آن که محله پشت مشهد به آن افزوده گردید و بازار در جهت شمال شرقی توسعه یافت. در اواسط قرن سیزدهم یعنی ۱۲۶۰ زلزله ای به مرکزیت قهرود در کاشان رخ داد که به برخی از ساختمان ها از جمله مسجد جامع خسارت زیادی وارد ساخت. (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۷۳: ۷۴)

۴-۵- توسعه فیزیکی شهر کاشان در دوران معاصر:

شهر کاشان تا پیش از رشد معاصرش، محصور در باروی شهر و باروی شهر محصور در اراضی مزروعی بود. از طریق دروازه های موجود در بارو، شهر با جهان خارج ارتباط برقرار می کرد. اراضی مزروعی برای تأمین قسمتی از مایحتاج شهر کشت می شد، در داخل بارو، شهر با چهره معماری سنتی -

بادگیرها، قوس ها و گنبدها، کوچه های نسبتاً تنگ و ارگانیک مشخص می شدند. مصالح خانه ها از خشت و احياناً آجر بود و دامنه های سقف با خیز قوس و گنبدها پوشانده می شد (حائری، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

در اوایل دهه اول قرن چهاردهم شمسی، در اثر تقویت راه ارتباطی بین کاشان و مراکز پر اهمیت تر کشور، مانند تهران و اصفهان، باروی شهر از سمت شمال شرقی فرو می ریزد، همزمان با فرو پاشی بارو، اولین وقایع اقتصادی - سیاسی تازه روی می دهد. به عنوان مثال، در شهر کاشان در سال ۱۳۰۴ اداره ثبت احوال تأسیس می شود. بانک ملی در سال ۱۳۱۳ در این شهر شعبه دایر می کند، در سال ۱۳۱۳ کارخانه ای به نام کارخانه ریسندگی و بافندگی با خرید اراضی مزروعی چسبیده به بارو، اولین تولید کارخانه ای را با حدود ۲۰۰ نفر کارگر به راه می اندازد. در حدود سالهای ۱۳۳۰ خیابان های سراسری در داخل بافت قدیم شهر احداث می شود.

ارتباط شهر کاشان با شهرهای اطرافش (نیاسر، قمصر، بیدگل، نوش آباد، ابوزیدآباد) تقویت می شود. به تدریج شبکه شهری به مرکزیت کاشان در منطقه ایجاد می شود. شهر نیز در اطراف جاده های جدید ارتباطی و بیرون از بافت قدیم توسعه می یابد. در حال حاضر بافت جدید، بافت قدیم را کاملاً در بر گرفته است.

بافت جدید شهر از خیابانهای نسبتاً عریض و ساختمانهایی از اسکلت فلزی و بتن آرمه شکل گرفته است. چهره بافت جدید در داخل بافت قدیم شهر نیز نفوذ کرده است، البته تنها در اطراف خیابان های تازه احداث شده. ساختمان های نوساز با فاصله حدود ده متر احداث شده است، لیکن پس از ده متر ساختمان های قدیمی همچنان پا بر جا مانده اند، چنان که همزیستی دو بافت قدیم و جدید کالبد معاصر شهر کاشان را تشکیل داده است. (حائری، محمدرضا، ۱۳۸۳: ۱۶۳)

◀ ۵- شناخت و معرفی ساختار قدیمی شهر تاریخی :

ساختار قدیمی بافت تاریخی کاشان، از استخوان بندی اصلی بافت (شبکه ارگانیک معابر) و سازمان فضایی خاصی تشکیل شده بود. به طور خلاصه

ساختار کالبدی شهر قدیم را می توان شامل اجزاء و عناصر زیر دانست :

الف) برج و باروی شهر : که نه فقط برای امنیت شهر و جلوگیری از تهاجم احتمالی، بلکه برای تعیین محدوده و جلوگیری از گسترش بی رویه شهر ایجاد شده بود. این برج و بارو تحت تأثیر شهرسازی دوران صفویه که نوسازی و گسترش شهر را از طریق ایجاد مجموعه های جدید شهری در پیرامون تأمین می کرد، گسترش یافته و عملاً شهر دارای دو برج و بارو گشت. برج و باروی اول مربوط به دوران سلجوقیان که تا قبل از عصر صفوی دوام آورد و برج و باروی دوم مربوط به دوران صفویه بوده است.

ب) بازار: بازار به عنوان ستون فقرات شهر نقش اصلی در ساماندهی بافت کالبدی و حتی اجتماعی شهر بر عهده داشته است. بازار پیوند دهنده محورهای شرقی - غربی و شمالی جنوبی قدیم بوده و علاوه بر کار کرد تجاری و اقتصادی، نقش شبکه گذرگاهی بین شهری را نیز ایفا کرده است.

ج) محلات شهری : هر محله دارای مرکز محله ای بود که مسجد، آب انبار، حمام، تکیه و احتمالاً امامزاده ای در آن قرار داشت. کوچه های درون محله ای واحدهای مسکونی را به مرکز محله متصل می کرد.

د) گذرها: گذرها، معبر و دسترسی های بین محله ای بودند که مراکز محلات شهر را به یکدیگر متصل می کردند. برخی از این گذرها اهمیت بیشتری داشته و نقش راه برون شهری را نیز ایفا می کردند (قراچه داغی ، ۱۳۸۰ : ۳۵ و ۳۶).

عناصر بالا، از جمله اساسی ترین اجزای تشکیل دهنده ساختار بافت قدیم محسوب می گردند که در ذیل به روند شکل گیری و استقرار آنها به صورت کلی می پردازیم.

باروی شهر تا اوایل قرن چهاردهم دوام آورده و هنوز نیز بقایای آن در داخل برخی از منازل اهالی شهر موجود است. راههای ارتباطی در شکل گیری شهر نقش مهمی ایفا کرده اند. البته باید خاطر نشان کرد که یکی از عوامل مهم در شکل گیری راههای ارتباطی مسیر آب بوده است. رشد و توسعه خود به خودی تک تک واحدها و عناصر بافت در حاشیه و مسیر جریان آب، نوعی نظم را بر بافت حاکم کرد. بدین ترتیب می توان گفت نظم آب و به دنبال آن نظم خاک تأثیر زیادی در

شکل‌گیری ساختار کالبدی بافت داشته‌اند. (حائری، ۱۳۸۳: ۱۷۱)

بازار از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر بوده است که در محل تقاطع راههای قدیم شکل گرفته است. بازار، بافت قدیم شهر را که در میان بارو و محصور بود، به دو ناحیه اعیان‌نشین و فقیرنشین قسمت می‌کرد. قدیمی‌ترین محلات و اعیانی‌ترین خانه‌های سنتی در جنوب شهر (محل سلطان میر احمد) قرار داشت. طبقات متوسط و پیشه‌وران در بخش‌های مرکزی در پیرامون بازار، که در عین حال محل تجمع تأسیسات شهری نیز هست، ساکن بودند. بالاخره محله فقیرنشین شهر در حاشیه جنوب، جنوب شرقی و شمال شرقی و قسمت‌هایی از کناره غربی قرار داشت

تقسیمات بر اساس واحد محله صورت می‌گرفت. به عبارت دیگر در داخل تقسیمات فوق (اعیان‌نشین و فقیرنشین) واحدهای فضایی دیگری وجود داشت که معمولاً ساکنان آن از لحاظ فرهنگی یکدست بودند. وابستگی‌های مذهبی، قومی، خویشاوندی، حرفه‌ای و از این قبیل ساکنان یک محله را گرد هم می‌آورد. محله را می‌توان به عنوان یک واحد شهری که در عین استقلال به کل شهر نیز وابسته است، در نظر گرفت. از این رو محلات یکی از اجزای ساختار کالبدی شهر به شمار می‌روند.

واحد محله از چندین عنصر عمده شهری تشکیل شده است. راه یا مسیر اصلی، بازارچه، گذر، مرکز محله مجتمعی است از مسجد، آب‌انبار، حمام، تکیه و احتمالاً یک امامزاده و کوچه‌های باریک، که به خانه‌ها منتهی می‌شود و اکثراً بن بست هستند. (حائری، ۱۳۸۳: ۱۷۲)

۶- جایگاه بافت تاریخی در سازمان و ساختار فضایی - کالبدی شهر امروز :

سازمان فضایی و ساختار کالبدی بافت تاریخی طی دورانهای مختلف، دگرگونی بسیار زیادی پیدا کرده است. در این فرآیند ساخت منسجم و متمرکز شهر قدیم جای خود را به ساختار پراکنده و چند هسته‌ای معاصر داده است. برای بررسی جایگاه بافت تاریخی در سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر امروز، ناگزیر به داشتن شناختی کلی از سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر

دیروز و امروز هستیم.

ساختار قدیمی شهر تاریخی (بافت قدیم)، دارای نظم خاصی بود که حتی گسترش و توسعه آن هم، موجب از هم پاشیدن این ساختار نمی گردید. می توان گفت که در شکل گیری بافت قدیم موقعیت قرار گیری بر سر جاده های قدیمی که شرق را به غرب آسیا و شمال را به جنوب متصل می کردند، نقش زیادی داشته است. در مرحله بعد توسعه و گسترش شهر مدیون نظم آب و خاک بوده است. جهان بینی و نحوه نگرش به مذهب در این جریان اصول و ضوابطی را تحمیل کرده و بر نوع چیدمان فضاها تأثیر گذاشته است. محدوده و مرز شهر به وسیله حصار و برج و بارو تجدید می گردید، تا ضمن ایجاد امنیت توسعه آن را محدود سازد. در قلعه و کهندژ شهر، اعیان و اشراف و در واقع به تدریج محلات شهر شکل می گرفت (شارستان). این محلات واحدهای فضایی خاصی بودند که از لحاظ دارا بودن برخی ویژگی های کالبدی و نیز مشخصات خاص ساکنین بومی آن، مانند وابستگی های مذهبی، قومی و خویشاوندی، حرفه ای غالباً یک دست و در عین استقلال به کل شهر نیز وابستگی داشتند (عطارها، ۱۳۷۴: ۵۴).

با استقرار شبکه صلیبی شکل معابر، پیوستگی شبکه معابر گذشته از هم گسسته و نظام محلات به هم ریخت. با توسعه و گسترش شهر به شکل معاصر خود، ساختار کالبدی و سازمان فضایی نیز تغییرات فراوانی نموده است. در ساختار معاصر دیگر واحد فضایی از ساختار اجتماعی - اقتصادی تبعیت نمی کند. الگوی تقسیمات محلات را شبکه معابر تعیین می کند. در این چارچوب، محلات قدیم تا حدود زیادی رنگ باخته و در برخی موارد شاکله خود را از دست داده است. معابر داخل بافت اگر در گذشته بر اساس واحد محله سازمان می یافتند و دارای سلسله مراتب خاص خود بودند، در ساختار بافت معاصر بدون توجه به عناصر تأثیر پذیر از خود، تنها در سطح شهر ارتباط برقرار می کنند. اما این نکته نیز غیر قابل انکار است که شبکه معابر علیرغم همه معایب و نقایصی که دارد، پیوند بین بافت قدیم و جدید را به خوبی برقرار می کند. با آن که از لحاظ عملکردی از نقش تجاری بازار کاسته شده، اما هنوز یکی از

عناصر اصلی تشکیل دهنده ساختار شهر قدیم و ستون فقرات اصلی شهر معاصر محسوب می گردد. با وجود بازار و نیز بناهای با ارزش، بافت قدیم جایگاه خود را در سازمان فضایی امروز شهر به عنوان مرکز شهر حفظ نموده است. اگر در گذشته برج و بارو و حصار شهر و کهندژ از عناصر اصلی ساختار محسوب می شدند، اکنون دیگر غیر از بقایای نادر از حصار بافت در حیاط برخی از منازل و نیم مخروبه ای از قلعه قدیمی، چیزی باقی نمانده است. امروز با وجود خیابانهای تازه تأسیس و ایجاد مراکز خدماتی جدید در این محورها، از نقش مرکز به عنوان عنصر تشکیل دهنده ساختار شهر قدیم کاسته شده است.

اگر در گذشته اندامهای محله ای (گذرها) در استحکام ساختار شهر اهمیت زیادی داشته اند، امروزه با شبکه قوی دسترسی های معاصر که در بافت کشیده شده است، نقش این گذرها بسیار کم رنگ شده است.

در دهه های اخیر، شهرک های حاشیه ای که در اطراف بافت متراکم شهر شکل گرفتند، ساختار شهر را از حالت متمرکز و پیوسته به صورت پراکنده و غیر متمرکز تغییر داده است. ایجاد هسته های جدید جمعیتی و به تبع آن ایجاد مراکز خدمات رسانی، ارتباطی و غیره در توسعه شهر موجب تغییر سازمان فضایی قدیمی و ایجاد سازمانی نو در بافت گشته است. مجموعه به هم پیوسته قدیمی اکنون به مجموعه ای چند هسته ای با بافت پراکنده تبدیل گشته است.

بافت قدیم با توجه به موقعیت و نوع عملکرد های واقع در آن در ساختار کالبدی شهر امروز نقشی اصلی و سازمان دهنده ایفا می کند. مرکز اصلی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در محدوده بافت قرار دارد. از نظر کالبدی بخشی از مساحت شهر را به خود اختصاص داده و نزدیک به یک ششم از جمعیت در این محدوده اسکان یافته اند. موقعیت ویژه بافت در سازمان فضایی بافت باعث جذب فعالیت های تجاری و اقتصادی مدرن در لبه های بیرونی آن شده است. بدین ترتیب می توان گفت علیرغم کاهش نقش و سهم اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بافت در مجموعه شهر طی یک دوره تاریخی، هنوز استخوان بندی اصلی شهر را تشکیل داده و بافتی فعال و زنده به شمار می رود (عطارها، ۱۳۷۴: ۵۴ و ۵۵).

◀ ۷- بررسی دگرگونی ساختار فضایی بافت قدیم کاشان در سدهٔ اخیر:

به منظور بررسی توسعهٔ تاریخی و روند دگرگونی بافت تاریخی کاشان با اندکی مسامحه و به منظور بهره‌گیری از منابع موجود، مقاطع زمانی بررسی در سه دوره خلاصه می‌شود. با این حال متذکر می‌گردم که این سه دوره به ویژه در دورهٔ اول هماهنگی کاملی با تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه ندارد. به عنوان مثال کودتای ۱۳۲۰ تأثیر بسیار زیادی بر جریان مدرنیزاسیون جامعه گذاشت که شهرهای آن زمان نیز از آن بی‌تأثیر نبوده است. همچنین مداخله‌های زمان رضا شاه در بافت کالبدی شهرها جای تأمل بیشتری دارد.

علیرغم همهٔ آن‌چه گفته شد، خلاصه کردن تحولات تاریخی در سه دوره امکان مقایسه و نیز استفاده از منابع موجود را بهتر فراهم می‌کند. با این وصف سه دوره‌ای که مورد توجه قرار گرفته عبارتند از:

الف) دورهٔ توسعهٔ کند(بطی) (از اوایل دورهٔ رضا شاه تا اوایل دههٔ ۴۰).

ب) دورهٔ توسعهٔ سریع و گسترش شهر (از اوایل دههٔ ۴۰ تا ۱۳۵۷).

ج) دورهٔ انتقالی توسعهٔ شهر از ۱۳۵۷ تاکنون. (بیرشک، ۱۳۷۵: ۶۹)

۷-۱- دوران اول توسعهٔ شهر (از اوایل دورهٔ رضا شاه تا اوایل دههٔ ۴۰):

از مهم‌ترین تحولات این دوره بر بافت تاریخی شهر کاشان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- در این دوره، محدودهٔ بافت تاریخی بر محدودهٔ شهر منطبق است. غالب تحولات درون این بافت به صورت بسیار تدریجی و کند شکل می‌گیرد.

۲- ایجاد برشهای صلیبی شکل، در داخل بافت و یک میدان پارک مانند(کمال الملک) در وسط بافت تاریخی.

۳- ایجاد شبکهٔ اصلی دسترسی سواره (محور فین به داخل شهر و محور ترانزیتی اصفهان، کاشان و قم)

۴- ایجاد یک سری عناصر جدید در خارج بافت تاریخی مثل ایجاد کارخانه، راه آهن و غیره (بیرشک، ۱۳۷۵: ۷۰)

۷-۲- دوران دوم توسعهٔ شهر (از اوایل دههٔ ۴۰ تا ۱۳۵۷):

در این دوره محدودهٔ شهر، خارج از بافت تاریخی گسترش پیدا می‌کند و

در واقع رشد توسعه شهر خارج از محدوده بافت تاریخی در جهات شمال غربی به سوی فین، شمال شرقی و شرق تا حدودی و کمتر در جهت جنوب شرقی و جنوب صورت می گیرد. با توسعه و گسترش شهر در این دوران که بسیار سریع صورت گرفت، با توجه به افزایش نیازهای مردم به تأسیسات و خدمات شهری، توجه به تأمین منابع آب و برق و نیز مسأله دسترسی سواره در بافت قدیم به صورت حادی چهره می نمایاند (بیرشک، ۱۳۷۵: ۷۴).

۷-۳- دوران سوم توسعه شهری (دوره پس از انقلاب تا حال حاضر):

دوران پس از انقلاب در واقع دوره انتقالی و بازنگری محسوب می شود که در این دوره توسعه شهر بیشتر در جهات شمال شرق و شرق و جنوب و شمال غربی صورت گرفت. در بافت تاریخی، برشهای درون بافتی افزایش پیدا کردند. کمربندی اصفهان، کاشان، قم که در دوره دوم ایجاد شده بود، فشار عملکردی بر بافت قدیم و تاریخی را کاهش داد. در این دوره، معضل بافت تاریخی مطرح شد. از این جهت که ضوابط حاکم بر بافت ابهاماتی داشت، باعث محدود شدن تغییرات درون بافت و عملکرد بافت مسکونی گردید. بدین ترتیب معضل بافت تاریخی از نظر فرهنگی و اجتماعی مطرح شد. هم چنین در این دوره اقداماتی جهت تبدیل شدن شهر به شهر منطقه ای مادر شهر صورت گرفت. از جمله این اقدامات، یکی واگذاری زمین توسط سازمان زمین شهری و دیگری آماده سازی شهرک ناجی آباد یک و دو بود. این نوع بازنگری هم چون هر گرایش دیگری اساساً یک ریشه اجتماعی داشته و ابتدا به خودی خود شروع می شود و سپس در چالش های واقعی اجتماعی و انعکاس آن در چالش های فکری آگاهانه به کمال خود می رسد. مقصود از این بازنگری، توجه به نوعی هویت ملی - فرهنگی است که براساس آن، نقد گذشته هم صورت می گیرد (بیرشک، ۱۳۷۵: ۷۷).

۸- مسایل و مشکلات کالبدی موجود در بافت قدیم شهر کاشان:

جدا از آنچه که در طول تاریخ بر این بافت رفته است، وضع موجود اوضاع کالبدی بافت تاریخی، غالباً متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی حاصل از دوره اخیر می باشد. اساس غالب مشکلات کالبدی امروزه را می توان به توان اجتماعی - اقتصادی بافت نسبت

داد. عدم توانایی اقتصادی ساکنین بافت، باعث عدم ارتقاء کالبدی بافت گردیده و ساکنین بومی با وضع مالی نسبتاً بهتر از بافت خارج شده، گروههای کم توان در محلات به جای آنان جایگزین گردیده اند. در ذیل به بررسی مشکلات کالبدی مجموعه بافت می پردازیم.

۸-۱- فرسودگی واحدهای مسکونی بافت :

یکی از نکاتی که در بافت قدیم کاشان قابل تأمل و بررسی است، کیفیت ابنیه، قدمت آنها و نوع مصالح و شیوه های ساختمانی است، وجود تعداد قابل ملاحظه ای واحدهای مسکونی مخروبه و یا در حال تخریب که در تمامی بافت پراکنده اند، نیز تخلیه تدریجی بافت از ساکنین سنتی و جایگزینی آنها توسط اقشار مهاجر تهیدست، محدودیتهای دسترسی با وسایل نقلیه به اعماق بافت و مسایلی از این دست از عوامل اساسی فرسودگی و مخروبه بودن واحدهای مسکونی است، به طوری که می توان گفت بسیار بیشتر از واحدهای منفردی که تخریب و نوسازی شده اند واحدهای فرسوده و در حال تخریب دیده می شوند.

اگر واحدهای مسکونی را از نظر کیفیت بنا (بر حسب نوع مصالح، عمر بنا و وضعیت عمومی ساختمان در حال حاضر) در چهار گروه درجه ۱، درجه ۲، درجه ۳، و مخروبه، رتبه بندی کنیم، واحدهای درجه ۱ شامل واحدهایی می گردند که در ساخت بخش عمده آنها آجر و آهن و یا اسکلت به کار گرفته شده و از ساختمان با نمای مناسبی برخوردارند. این گونه واحدها از نظر عمر بنا نوساز محسوب می گردند و بناهایی با عمر کمتر از ده سال، بیشترین سهم را در ترکیب قدمت بناها این ویژگی را دارا هستند. واحدهای درجه ۱ را می توان در زمرة واحدهای باداوم تلقی نمود. شیوه ساختمانی این گونه واحدها شدیداً از تحولات اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی دو سه دهه اخیر و تغییر در الگوی معماری و مسکن تأثیر پذیرفته و به واحدهای مسکونی دارای سقف سطح تیرآهنی (و ندرتاً تیرچه بلوکی) دارای حیاط و بنای یک طرفه تبدیل شده است.

با توجه به بررسی صورت گرفته در بافت تاریخی، ۳۹/۷ درصد واحدهای مسکونی کل بافت، واحدهای مسکونی درجه ۱ و درجه ۲ (سالم) بوده و ۶۰/۳ درصد ابنیه مسکونی بافت شامل واحدهای درجه ۳ (نیمه فرسوده) و مخروبه می گردد.

البته تقسیم بندی دیگری نیز صورت گرفته است که درصد واحدهای مسکونی سالم، (درجه ۱ و ۲) کل بافت در محلات مختلف مشخص گردیده است، به این ترتیب بیشترین درصد واحدهای مسکونی درجه ۱ و ۲ (سالم) به ترتیب به محلات زیر تعلق دارد (مطالعات میدانی).

الف) محله پشت مشهد بالا

ب) محله پشت مشهد پایین

ج) محله طاهر و منصور

د) محله محتشم

هـ) محله بازار

و) محله درب اصفهان

ز) محله سلطان میر احمد

۸-۱-۱- بررسی واحدهای درجه ۳ درون محلات به نسبت کل بافت :

واحدهای درجه ۳ واحدهایی هستند که به نسبت درجه ۱ و ۲ (واحدهای سالم) قدیمی تر هستند و تقریباً حالت نیمه فرسوده دارند و برای بهبود وضع کالبدی به مرمت کلی نیاز دارند. باید در نظر داشت که غالب واحدهای مسکونی بافت تاریخی را واحدهای مسکونی درجه ۳ (نیمه فرسوده) تشکیل می دهند، با این اوصاف بیشترین درصد این واحدها در محلات ۷ گانه به صورت زیر می باشد:

الف) محله درب اصفهان

ب) محله طاهر و منصور

ج) محله محتشم

د) محله پشت مشهد بالا

هـ) محله بازار

و) محله پشت مشهد پایین

ز) محله سلطان میر احمد

بیشترین درصد بناهای مخروبه در محله محتشم و سپس سلطان میر احمد و پس از آن محله بازار، طاهر و منصور، پشت مشهد پایین در رتبه بعدی قرار

دارند و درب اصفهان، محله پشت مشهد بالا در رتبه های آخر . با این اوصاف محله محتشم از لحاظ فرسودگی درون خود بیشترین واحدهای مخروبه و فرسوده را داراست که باید برنامه ریزی دقیقی روی آن صورت گیرد و محله پشت مشهد بالا تنها با ۳/۵ درصد واحدهای فرسوده و مخروبه، کمترین میزان فرسودگی واحدهای مسکونی را در درون محله به خود اختصاص داده است. (مطالعات میدانی)

جدول شماره ۱: درصد واحدهای مسکونی درجه ۱، ۲، ۳ و مخروبه در محلات مختلف بافت قدیم شهر کاشان

نام محله	درصد واحدهای درجه ۱ و ۲	واحدهای درجه ۳	واحدهای مخروبه
پشت مشهد پایین	۴۷/۲	۳۹/۶	۷/۸
پشت مشهد بالا	۴۶/۵	۵۳/۳	۳/۵
طاهر و منصور	۳۹/۷	۵۶	۸/۲
محتشم	۳۹	۵۵	۲۳/۸
بازار	۳۸/۴	۵۰	۸/۳
درب اصفهان	۳۶/۸	۵۶/۹	۵
سلطان میر احمد	۳۵/۳	۳۶/۵	۱۳/۲

مأخذ: مطالعات میدانی

۸-۲- شبکه ارتباطی:

از مهم ترین عوامل نابسامانی بافت تاریخی، عدم هماهنگی شبکه ارتباطی گذشته با شبکه ارتباطی موجود می باشد، به این صورت که شبکه معابر قدیمی با مقتضیات امروزی مطابقت نیافته و همین امر مانع خدمات رسانی مناسب به بافت شده است، که این نکته غالباً در مورد خدمات رسانی به واحدهای مسکونی در عمق بافت که نسبت به خیابان اصلی، فاصله بیشتری دارند، صدق می کند.

محدوده های قدیمی و تاریخی شهر کاشان در گذشته دارای بافتی متراکم و خیابان ها و کوچه های پیچ در پیچ و باریک بود و در زمان خود مطابق با نیازهای آن دوره طراحی شده و به درستی نیز پاسخگو بودند، اما در حال حاضر

نتوانسته اند خود را با شرایط جدید وفق دهند. در اثر این عدم هماهنگی های دسترسی های گذشته با نیازهای امروز در پی آن، روز به روز این قسمت از بافت ارزشمند شهر مهجورتر شد و ساکنان آن به بافت های جدید رو آوردند (با توسعه و گسترش شهر، دسترسی های قدیمی، دیگر پاسخگوی نیازهای امروزی نبودند) با ایجاد شبکه جدید صلیبی داخل بافت، علاوه بر تکه تکه کردن بافت بدون هیچ سود واقعی برای کل بافت از نظر حل کردن مشکلات دسترسی، عدم اتصال مناسب کالبدی و اجتماعی بین بافت قدیم و جدید به شکست بافت قدیم انجامید (مهندسین مشاور شهر و برنامه ، ۱۳۶۲ : ۸۷) .

عدم دسترسی مناسب در داخل بافت، اطمینان به سرمایه گذاری را از بین برد و منطقه از لحاظ اقتصادی تنزل شدید نمود. چنان که بر اساس مطالعات میدانی ، این کمبود دسترسی به قطعات، واحدهای مسکونی به حدی بوده است که خود ساکنین بافت ، ابراز داشته اند که این عدم دسترسی مناسب به قطعات موجب عدم سرمایه گذاری سرمایه گذاران خصوصی و حتی مسؤلان در این ناحیه گردیده است و به این ترتیب مزیت مکانی از بین می رود و سطح فعالیت های اقتصادی در بافت افول پیدا می کند و در واقع بافت از لحاظ اقتصادی نیز فرسوده می شود و رغبت مردم و مسؤلین در رسیدگی به آن کاهش می یابد. بنابراین بافت اُرگانیک نادیده انگاشته شده و ارزش های بسیاری از بین رفته است (مطالعات میدانی).

۸-۳- ساختار اقتصادی بافت تاریخی :

در بررسی آسب شناسی کالبدی بافت قدیم کاشان توجه به تحولات اقتصادی سده اخیر حائز اهمیت است. شهر سنتی پایان عصر قاجار با ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سنتی، در دوران پهلوی اول همانند سایر شهرهای بزرگ کشور با احداث خیابان های چلیپایی مورد اولین مداخلات کالبدی جدی قرار گرفت. احداث خیابان های جدید و مراکز اداری نمایندگان دیوان سالاری مدرن، ساختار اجتماعی - اقتصادی شهر سنتی را با چالشی عظیم مواجه کرد که تا کنون نیز آثار آن پابرجاست. احداث خیابان های اباذر، باباافضل، محتشم و چند خیابان دیگر به همراه

استقرار مراکز دولتی جدید خارج از بافت قدیم به طور آشکاری در تقلید از سایرکشورها و بی توجه به ساختار اجتماعی و اقتصادی شهر، محلات(به عنوان نماد کالبدی بافت اجتماعی) و بازار(به عنوان مهمترین عنصر اقتصادی شهر) را برید و باعث جدایی کالبدی گردید. احداث خیابان های فوق با وجود آن که در مراحل اولیه صرفاً جنبه ارتباطی داشته اند ولی به مرور با شکل گیری واحدهای تجاری جدید در کنار آن ها که عمدتاً عرضه کننده محصولات وارداتی بوده اند به عنوان رقیبی برای بازار سنتی شهر درآمد. علاوه بر این با توجه به نحوه و موقعیت استقرار خیابان های جدید نسبت به بازار که پیش تر استخوان بندی اصلی را شکل می داده است، بازار در انزوای نسبی کالبدی قرار گرفت. در مقابل، واحدهای تجاری جدید در کنار خیابان های جدید الاحداث حاشیه بازار رونق گرفتند (بیرشک، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

از طرف دیگر با شکل گیری صنایع کارخانه ای در خارج از بافت قدیم کاشان، کاهش نسبی کارگاه های سنتی تولید منسوجات ماهیت اقتصادی شهر و بافت قدیم دچار تحول شد. فرآیندی آغاز گردید که به تدریج مؤسسات اقتصادی شهر سنتی(کارگاه های سنتی، واحدهای تجاری سنتی) از بافت حذف و در مقابل کارگاه های مدرن تولید صنعتی و مؤسسات خدماتی وابسته به آن ها در خارج از بافت قدیم شکل گرفتند.تبدیل خوش آیند تولید سنتی به تولید کارخانه ای و مدرن با بهره وری بالا که بر خلاف شهرهای دیگر در شهر کاشان شکل گرفته بود و کماکان شهر کاشان را به عنوان یک شهر با اقتصاد صنعتی معرفی می کرد، از نگاه کالبدی، باعث آثار منفی بر بافت قدیم شهر گردید. کارگاه های تولید سنتی که عموماً کوچک مقیاس ولی به تعداد زیاد بوده اند، کاملاً همخوانی با بافت قدیم و بازار سنتی داشته اند، به طوری که محصولات آن ها به راحتی قابل حمل و عرضه در واحدهای تجاری واقع در بازار بوده است. با شکل گیری واحدهای صنعتی بزرگ که تولید در مقیاس زیاد داشته اند ولی تعداد آن ها انگشت شمار بوده است، به اجبار کارگاه های تولیدی در خارج از بافت مستقر شده و با عدم پیش بینی فضاهای مناسب در محدوده بازار مجبور به استقرار مؤسسات وابسته(فروشگاه ها و واحدهای بازرگانی) در خارج از بازار و

بافت قدیم شده اند. لذا با استقرار مؤسسات اقتصادی جدید در سایر نواحی شهر به تدریج مهاجرت طبقات مرفه از بافت و جایگزینی آن ها توسط گروه های کم درآمد و مهاجر آغاز گردیده است (بیرشک ، ۱۳۷۵ : ۱۵۴).

علاوه بر تحولات کلان فوق ، آثار منفی واحدهای ساختمانی فرسوده بر کل بافت ، یکی از دلایل اقتصادی عدم رقبت افراد به ایجاد ساخت و ساز در بافت قدیم کاشان و در نتیجه مهاجرت گروه های درآمدی بالا از بافت و جایگزینی آن ها توسط گروه های درآمدی پایین و مهاجر بوده است. فرسودگی کالبدی به همراه فقدان دیدگاه نوسازانه و حتی وجود عقاید میراث گرا به بافت باعث افت شدید قیمت اراضی و مسکن در بافت قدیم گردیده است ، به طوری که قیمت اراضی مسکونی در برخی از نواحی داخلی بافت قدیم توان رقابت با حاشیه ای ترین نواحی شهر را نیز ندارد (مطالعات میدانی) .

◀ ۹ - نتیجه گیری :

یکی از ارزش ترین مناطق شهری کشور ایران بنا بر آنچه تاریخ مدون سه هزار ساله ایران بر آن دلالت دارد و مشهودات عینی در گستره آن در زمان حال و گذشته بیانگر ارزش های باستانی و تاریخ میراث فرهنگی کشور ما می باشد ، شهر کاشان می باشد.

با در نظر گرفتن شرایط خاص جغرافیایی کاشان یعنی آب و هوای خشک و کویری ضرورتی که می تواند موجب تشکیل اجتماعات در این منطقه جغرافیایی باشد ، وجود آب است. وجود چشمه های آب در دامنه کوه های کرکس ، باعث اسکان اجتماعات و پیدایش تمدن هایی در سیلک واقع در ۴ کیلومتری جنوب غربی کاشان فعلی گردیده و پس از آن با دگرگونی و تحولات طبیعی و نتیجتاً تغییر محلی چشمه های آب ، زندگی گروهی این ناحیه به حوالی فین کشیده شده است.

در طول تاریخ ، این منطقه از حاشیه کویر بر سر راه کاروان ها به مقصد شهرهای پر اهمیت جنوب و جنوب غربی ایران قرار گرفته و گسترش شهر را سبب گردیده است.

این گسترش در قرن اولیه هجری به سبب اهمیت یافتن شهرهایی چون کرمان و یزد، ضرورت وجود ارتباط بین شهرها به رشد و توسعه شهر کاشان کمک کرده است، به طوری که از چشمه های فین و امکانات طبیعی دیگر شهر چون آب های فصلی رودخانه های قمصر و قهرود بهره برداری شده و مخروطه افکنه آن ها به منظور حفر قنات، مورد استفاده قرار گرفته است.

هر چند دلایل مستندی در مورد استقرار و موقعیت کاشان امروز با فاصله چند کیلومتری از فین در دست نیست، ولی به احتمال زیاد دلایل اقتصادی خاص در زمان رشد و توسعه شهر در تثبیت محل و موقعیت فعلی شهر مؤثر بوده است.

در متون تاریخی و ادبی در مورد نام کاشان و سابقه تاریخی آن یاد شده است، ولی آنچه مسلم است در دوره پیش از اسلام و در زمان ساسانیان در ناحیه دریاچه ساوه، شهر و یا روستای معتبری وجود نداشته و در متون عربی، ناحیه کاشان کنونی را قاسان و یا قاشان نامیده اند که تا پیش از تسلط اعراب بر ایران اهمیت چندانی نداشته و جزء ناحیه چهل حصار از دهات اصفهان به شمار می آمده است. (سلمانی، ۱۳۶۵: ۵۹)

در وجه تسمیه نام شهر کاشان در کتاب تاریخ اجتماعی کاشان آمده است که کاشان مقر قبایل کاسو یا کاشو بوده که معاصر با دوران سلطنت حمورایی در بین النهرین می زیسته اند. لفظ کاسو یا کاشو بعداً تبدیل به کاسیان و کاشیان و بالاخره کاشان گردیده است. (نراقی، ۱۳۴۵: ۲۰)

از متون تاریخی بر می آید که کاشان تا قرن چهاردهم هجری اهمیت چندانی نداشته و تشکیل آن را به تسلط دوران آل بویه در قرن سوم هجری منسوب می کنند و از آثار باقیمانده از این دوران بقعه قاضی اسدالله در قسمت جنوب غربی کاشان و در محل ورود آب چشمه های فین به شهر می باشد. زیر بنای بقعه را به دوران آل بویه نسبت می دهند. حد دیگر شهر را در این دوره می توان محل فعلی مسجد جامع دانست. هر چند که مناره مسجد جامع مربوط به عهد سلجوقی است، اما این مسجد زیر بنای قدیمی تر از آن دارد. (بیرشک، ۱۳۷۴: ۳۵)

گسترش بعدی شهر کاشان را می توان متعلق به دوره سلجوقیان دانست و آثار باقیمانده از این دوره شامل قلعه جلالی و دیواری است که به دور شهر کشیده شده بود.

عصر سلجوقی را می توان از دوران رونق اقتصادی شهر کاشان دانست، زیرا بازار شهر در این دوره، توسعه یافته و ساختمان هایی همچون مناره زین الدین و مناره مسجد جامع و بسیاری بناهای دیگر ساخته شده است. در این زمان کاشان توسط راههای مختلف با سایر شهرهای ایران و کشورهای دیگر از جمله با سوریه و عراق از طریق ساوه، همدان، کرمانشاه و یا بغداد از طریق اراک، بروجرد و همدان و با اصفهان از طریق فین و همچنین شوش، اهواز، شیراز، بندر جنوبی بوشهر، بندرعباس، بم، ارتباط داشته است. بسیاری از این راهها دارای قدرت اقتصادی ویژه ای در زمان خود بوده اند.

در دوره سلجوقی و حتی پیش از آن نویسندگان و فضایی بسیاری از کاشان برخاسته و پاره ای از آنان در شمار مشاوران و کاتبان امرای سلجوقی بوده اند. (بیرشک، ۱۳۷۴: ۴۳)

پس از رکود ناشی از حمله مغول، کاشان مانند سایر شهرهای ایران رونق اقتصادی خود را باز می یابد و در دارالسیاده کاشان که در نزدیکی دروازه لتحر قرار داشته است، ساختمان های مسجد، مدرسه، محل پرستاری و آسایشگاه و پذیرایی از مسافران و بینوایان بنا گردید.

در دوران تیموریان و آق قویونلو حرکت قابل ملاحظه ای در شهر کاشان دیده نمی شود و در عهد صفویه کاشان بار دیگر دوران رونق اقتصادی خود را از سر می گیرد.

در این دوره گسترش و توسعه بازار و اضافه شدن قسمت هایی به آن، ایجاد کاروانسراهای بزرگ، گمرک و ضرابخانه و ایجاد مهمانسراهای بزرگ (در دروازه دولت) را می توان نام برد.

در این دوره بنا بر روایات تاریخ نویسان، شهر دارای ۵ دروازه بوده است، وجود کاروانسراهای مختلف در این دوره دال بر رونق و شکوفایی اقتصاد شهر بوده است. ابریشم و مخمل و پارچه های گوناگون در این دوره در شهر کاشان

تولید می گردیده است.

تأثیر صنعت ابریشم و مخمل بافی را هنوز در فرم کالبدی محلات قدیمی شهر کاشان می توان ملاحظه کرد. لزوم فضاهای مرطوب و دسترسی به آب سطوح مسکونی را که اغلب شامل کارگاههای خانگی شعربافی بوده است، به سطحی پایین تر از معمول جهت دسترسی به آب قنوات بوده است. شیوه تولید سنتی مخمل و ابریشم در کاشان بالاخره نتوانست تحت نفوذ سوداگران اروپایی به حیات پر رونق خود ادامه دهد.

حکومت های افشاریه و زندیه تأثیر چندان زیادی بر شهر کاشان نداشته و بازسازی شهر پس از زلزله دوران کریم خان نیز به خاطر ادامه فرهنگ مادی و معنوی جامعه به شیوه عصر صفوی به همان صورت قبل انجام پذیرفته است.

حکومت طولانی قاجار نیز تغییرات اساسی و چندانانی در شهر به وجود نیاورده است و توسعه شهر در این دوره در محله پشت مشهد بوده است. در سفرنامه سیاحان اروپایی به تولید مخمل و ابریشم در کاشان در دوره قاجار نیز اشاره شده است. از آثار معماری جالب و با ارزش باقیمانده از دوران قاجار مسجد آقا بزرگ است.

در دوره قاجاریه ارزش شهرهای جنوبی و مرکزی کشور به شهرهای شمالی انتقال یافت و در اوایل قاجاریه چندین هزار دستگاه شعربافی که در ۱۵۰۰ کارگاه از کار افتاده بودند، دوباره به کار افتاد. (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۷۳: ۷۴)

در قرن نوزدهم شهر کاشان نیز همانند دیگر شهرهای صنعتی ایران به دلیل رقابت کارخانه های نساجی انگلیسی که با استفاده از تکنولوژی جدید به ماشین مجهز شده بودند و هم چنین عدم توجه رهبران سیاسی کشور نسبت به صنعتگران و بازرگانان و حوادث ناگوار طبیعی مانند زلزله و بیماری های همه گیر و قحطی باعث شد که ارزش و اعتبار قبلی خود را از دست دهد. (حائری، محمد رضا، ۱۳۸۳: ۱۶۳)

ساختار کالبدی بافت تاریخی به علت دگرگونی های فراوانی که در طی دوران های مختلف داشته انسجام پایدار دیرین خود را از دست داده است. تغییر ساختار منسجم و متمرکز و در عین حال پویای قدیمی برای اولین بار در اوایل

دهه ۴۰ با شکستن و فرو ریختن حصار شهر رخ داد، البته پیش از دهه ۴۰ با کشیدن خیابان های متقاطع در بافت، بر هم ریختن ساختار کلی شهر، شکستن و فرو ریختن حصار شهر قدیم، بر هم ریختن نظام محلات، گسستن ارتباط معابر اصلی (گذر های درون بافت)، کم اهمیت شدن مراکز محلات و رونق یافتن مراکز شهری جدید، کم رنگ شدن نقش تجاری بازار که ستون فقرات این ساختار را تشکیل می داد و... همه این عوامل منجر به تحول و دگرگونی ساختار کالبدی بافت قدیمی و ایجاد یک ساختار نو برای شهر گردیدند.

توسعه و گسترش شهر و ایجاد هسته های جمعیتی حاشیه شهر، ساخت متمرکز و متراکم بافت قدیم را تبدیل به بافت پراکنده چند هسته ای نموده که از نظم ساختاری خاصی پیروی نمی کرد. اندک اندک میل به فرار از بافت قدیم در دل ساکنین بومی بافت، جان گرفت و به تدریج این نواحی از بافت به علت عدم موفقیت در جذب و نگهداشتن ساکنین در درون خود به علت کمبود خدمات رسانی رفته رفته هم به لحاظ کالبدی و هم از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رو به فرسودگی نهاد. فرسودگی بافت، مهاجرت ساکنین بومی به علت تطابق خدمات بافت با نیازهای زندگی امروز، عدم توجه کافی مسئولان به بافت از جمله آسیب هایی می باشد که طی زمان های مختلف بر این بافت رفته است.

یکی از نکاتی که در بافت قدیم شهر کاشان قابل تأمل و بررسی است، کیفیت کالبد بافت می باشد. وجود تعداد قابل ملاحظه ای واحد مسکونی مخروبه و یا در حال تخریب که در تمامی بافت پراکنده اند و نیز تخلیه تدریجی بافت از ساکنین سنتی و جایگزینی آن ها توسط اقشار مهاجرتهیدست، محدودیت های دسترسی با وسایل نقلیه به اعماق بافت و مسایلی از این قبیل از عوامل اساسی فرسودگی کالبدی بافت می باشند.

شبکه جدید ارتباطی روابط سابق شهری را دگرگون کرده است و چون بدون توجه به بافت موجود شهر قدیم احداث گشته اند، نتوانسته اند احتیاجات مناطق اقتصادی، مسکونی و اجتماعی را مانند گذشته برآورده سازند. این شبکه باعث مرگ مراکز محله ای قدیم و ایجاد مراکز و گره های شهری جدید در کالبد شهر

گردیده اند. این شبکه جدید، موجب اهمیت و رونق یافتن برخی نقاط شهری و در عین حال باعث ضعف برخی نقاط دیگر شده است. در این فرآیند، محلات جدید که خارج از بافت شکل گرفته و توسعه یافته اند، مورد توجه گروه زیادی از اقشار مختلف اجتماعی قرار گرفته است .

◀ ۱۰- راهکارها و پیشنهادها :

با توجه به نتایج حاصله، یک سری راه حلها و پیشنهادهایی جهت رفع مشکلات موجود بافت ارائه می شود تا شاید با اتخاذ راهها و شیوه های اجرایی مناسب و کارآمد، بتوان اوضاع کالبدی و اقتصادی بافت را بهبود بخشید و از توانمندی های موجود در بافت که می توان از آنها در برنامه ریزی احیای بافت به عنوان نیروهای بالفعل مؤثر، بهره برد، نهایت استفاده را به عمل آورد .

۱- از جمله عوامل اساسی که می توان با استفاده صحیح از آنها اوضاع کالبدی و اقتصادی بافت را بهبود داد، توانمندی ها و امکانات موجود در بافت می باشند؛ از جمله امکاناتی که بافت تاریخی کاشان از آنها برخوردار است شامل موارد زیر می باشد :

الف) وجود برخی عناصر تشکیل دهنده ساختار قدیم (بازارچه ها، مراکز محلات ، گذرهای قدیمی و غیره) :

از جمله اقداماتی که می توان برای بهبود اوضاع کالبدی بافت تاریخی انجام داد، حرکت هایی است که در جهت حرکت های تاریخی صورت می گیرد. به عنوان مثال احیا و کاربرد دوباره ، از عناصر تشکیل دهنده ساختار قدیمی بافت باید به نحوی باشد که در ضمن تقویت و دوباره بازشناساندن این عناصر بافت در درون بافت و به مردم، مشکلی از مشکلات بافت را حل کند. وجود چنین عناصری درون بافت فرصت بسیار خوبی است، برای دوباره روح بخشیدن به عمق بافت، جایی که بیشترین فرسودگی را داراست و رو به مرگ می رود. با مرمت گذرهای تاریخی، هم مشکل دسترسی های محلی داخل بافت را حل کرده ایم و هم به نوعی سیمای کالبدی عناصر تاریخی و با ارزش را مرمت نموده ایم، به هر حال به صور مختلفی می توان بر روی عناصر تشکیل دهنده ساختار

جهت پویا و زنده کردن بافت مانور داد.

ب) وجود زمینه های تجاری خرد و کلان در داخل بافت (کاربرد قابل احیا).
ج) گرایش ساکنان به توسعه و فراهم بودن زمینه های فرهنگی، جهت توسعه در بافت

بر اساس برداشت میدانی صورت گرفته در بافت تاریخی، غالب ساکنان بافت (اعم از ساکنان بومی و غیر بومی بافت) خواستار توسعه و بهبود اوضاع کلی بافت بوده اند. جمعیت جوان باقیمانده در بافت، یکی از مهمترین تصمیم گیرندها می باشند که در صورت ایجاد برخی خدمات و امکانات، راغب به توسعه یافتن بافت می باشند.
د) تمایل مسؤولین محلی به تقویت بافت .

۲- توانمند سازی مالی ساکنین در جهت بهبود اوضاع اجتماعی ، اقتصادی در نتیجه بهبود اوضاع کالبدی بافت : بر اساس مطالعات میدانی، غالب ساکنان بافت به علت عدم توانایی مالی قادر به سرمایه گذاری در بافت جهت توسعه و بهبود آن نیستند.

۳- اصلاح نگرش شهروندان با آموزش های خاص جهت ایجاد نگرشی مثبت نسبت به حفاظت و نگهداری از بافت :

موضوع قابل توجه طرز تلقی مردم نسبت به بافت قدیم می باشد. این موضوع به ویژه در مورد جوانان بیشتر صدق می کند. بر اساس مطالعات میدانی، در نظر این گروه بخش قدیمی شهر محل سکونت گروهی از افراد فقیر و کم توان یا کهنسال و ناهماهنگ می باشد که با شأن و منزلت اجتماعی آن ها انطباق ندارد. بدین ترتیب زندگی در این محلات از دید گروه کثیری از مردم نوعی تحقیر روانی و اجتماعی به همراه دارد، بدین ترتیب این نگرش به بافت، باعث خروج افراد از بافت شده و نهایتاً به دنبال آن فرسودگی اقتصادی و کالبدی بافت راسبب شده است . بنابراین برای بهبود وضع کلی بافت باید با آموزش های خاص نگرش شهروندان را نسبت به بافت مثبت کرد .

۴- ایجاد مراکز فرهنگی ، تفریحی ، فضای سبز عمومی وسایر تجهیزات شهری جهت پاسخگویی به نیازهای ساکنین بافت.

بر اساس مطالعات میدانی، بافت تاریخی کاشان در زمینه امکانات فرهنگی ،

ورزشی، تفریحی و فضای سبز دچار کمبود های اساسی می باشد و همین کمبود امکانات باعث ایجاد مشکلاتی از جمله عقب افتادگی فرهنگی - اجتماعی جوانان ساکن در بافت و تخلیه بافت از ساکنان شده است، بنابر این احداث فضاهای بهداشتی، درمانی، خانه بهداشت، فضاهای ورزشی، فضای سبز، پارک و سایر تجهیزات شهری می تواند زمینه ای جهت عدم تخلیه بافت و نهایتاً بهبود اوضاع کالبدی بافت شود.

۵ - تقویت شبکه ارتباطی داخل بافت.

منابع

- بیرشک، ثریا (۱۳۷۴): چگونگی روند توسعه و تکامل شکل گیری شهر کاشان در بستر تاریخ از آغاز تا پایان دوره سلجوقی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بیرشک، ثریا (۱۳۷۵): طرح محور فرهنگی، تاریخی کاشان، جلد ۱ تا ۴، اداره میراث فرهنگی کاشان.
- توسلی، محمود (۱۳۷۲): بافت قدیم مقدمه ای به مسأله، مجموعه مقالات سمینار تداوم حیات در بافت قدیم شهرهای ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- حائری، محمدرضا (۱۳۷۲): طراحی کالبدی شهرهای ایرانی، مجموعه مقالات سمینار تداوم حیات در بافت قدیم شهرهای ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- حائری، محمد رضا، گیتی اعتماد، فرخ حسامیان (۱۳۸۳): شهرنشینی در ایران، چاپ چهارم، انتشارات آگاه.
- خالقی مقدم، محمد (۱۳۷۵): ساختار کالبدی بافت قدیم شهرها، خلاصه مقالات اولین سمینار مشترک معماری و شهرسازی و ابنیه تاریخی، زنجان.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵): مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، انتشارات نشر آبی.
- سلمانی، حبیب (۱۳۶۵): سیمای کاشان، انتشارات بشیر.
- شفق، سیروس (۱۳۷۶): شناخت بافت های قدیمی شهری، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت های شهری، وزارت مسکن و شهر سازی، مشهد.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲): مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- عطارها، مسعود (۱۳۷۴)، تجربه های پروژه شهر سالم در بافت تاریخی کاشان، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرید، یدالله (۱۳۷۳): جغرافیا و شهرنشینی، دانشگاه تبریز.
- قراچه داغی و همکاران (۱۳۸۰): طرح تجمیع محور علوی، سازمان عمران و بهسازی شهری.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵): شهرهای ایران، نظری اجمالی در شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۷۳)، طرح احیا و بهسازی بافت تاریخی کاشان، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی.
- مهندسین مشاور شهر و برنامه (۱۳۶۲)، طرح تفصیلی شهر کاشان، دفتر شهرسازی و برنامه ریزی وزارت مسکن و شهرسازی.
- نراقی، حسن (۱۳۶۵): تاریخ اجتماعی کاشان، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.